

دوفصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: Y4N6758447 ISSN-P: 2717-1132

سازوکار حمایتی بر مبنای سیاست جنایی مشارکتی در قبال

اطفال بزه‌دیده در سازمان بهزیستی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۵/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۶/۲۵)

دکتر عبدالوحید زاهدی^۱

استادیار حقوق، گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جنوب

مهرناز روزبهانی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جنوب

چکیده

رویکرد جدید سیاست جنایی در استفاده از ابزار مشارکت‌های مردمی تا حدود قابل توجهی در حل و فصل بسیاری از مشکلات مطرح در حیطه آسیب‌های کودکان موفق بوده است. از آنجا که تحولات اجتماعی، رویکرد سیاست‌گذاران کیفری را متمایل به حمایت از بزه‌دیدگان آسیب پذیر به ویژه اطفال بزه‌دیده کرده است استفاده از ظرفیت‌های نهادهای مدنی و سازمان‌های غیر دولتی یکی از گام‌های مؤثر در پیشگیری و حمایت از اطفال بزه‌دیده فراهم آمده است. مشارکت مردم بر مبنای سیاست جنایی در سطوح سیاست جنایی (تقنینی، قضایی و اجرایی) قابل تصور است و این سازمان‌ها به عنوان بخشی از جامعه، عهده‌دار وظایف گوناگونی در این زمینه شده‌اند که یکی از بالاترین این اقدامات ارائه برنامه‌های پیشگیری از جرائم اطفال است؛ فعالیت‌ها و کارکردهای این سازمان‌ها بسیار مفید و کارآمد است و برای استفاده بهینه از این خدمات نیاز به ارائه برنامه‌های مدون از سوی نهادهای دولتی از جمله سازمان بهزیستی است.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی مشارکتی، حمایت، اطفال بزه‌دیده، سازمان بهزیستی،

سازمان‌های غیر دولتی (مردمی)

^۱ نویسنده مسئول



بخش اول: کلیات

در عصر حاضر که به دلایل گوناگون خطرات متعددی زندگی انسان را مورد تهدید قرار داده است، روابط و زندگی اجتماعی انسان علی‌رغم مزایای بسیار برای وی خسارت‌های گوناگونی به همراه داشته است. علم حقوق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رشته‌های علوم انسانی متکفل وضع قوانین و مقرراتی است که جامعه را از بلاتکلیفی رهانیده و موجبات نهادینه شدن نظم و انضباط و عدالت در جامعه را فراهم سازد. دعاوی مربوط به بزه‌دیدگی اطفال یکی از موضوعات جدید و جالب و درعین حال، پیچیده علم حقوق و تحقیقات حقوقی است. در دهه‌های اخیر تطور افکار حقوقی به سمت جلوگیری از وقوع جرم و بروز خسارت‌های مادی و معنوی بر آحاد مختلف مردم است. مراجعه به قوانین مدون نظام اسلامی به خوبی حاکی از آن است که در قوانین راهبردهایی برای جلوگیری از وقوع بزه و جلب مشارکت‌های مردمی برای به حداقل رساندن آسیب به بزه‌دیده در نظر گرفته شده است. غالب حقوق‌دانان استفاده از سیاست جنایی مشارکتی را امری قابل قبول برای پیشگیری از وقوع جرائم دانسته‌اند و در سیستم‌های حقوقی و رویه‌های قضایی کشورهای مختلف راهکارهایی برای استفاده از آن در نظر گرفته شده است. ضرورت توجه به پیشگیری از جرائم از قدمت بسیاری برخوردار است؛ از سال ۱۹۴۷ میلادی بحث بزه‌دیده‌شناسی و آثار با اهمیت آن در مراحل کیفری بیش از گذشته مورد توجه حقوق‌دانان قرار گرفت؛ زیرا برگرداندن بزه‌دیده به وضعیت اولیه و تنبیه بزه‌کار از ارتکاب جرم خود از این طریق زمینه‌های نهادینه ساختن عدالت در جامعه را بیش از سایر روش‌ها با خود به همراه داشت.

بند اول: بیان مسئله

کودکان مهم‌ترین سرمایه‌های ملی کشور و اساس و شالوده ابعاد گوناگون توسعه منابع انسانی‌اند که نقش بی‌بدیل آنان در تثبیت ارزش‌ها و مفاهیم فرهنگی و هویت ملی جوامع، انکار ناپذیر است. اندیشه و تجارب دوران کودکی هیچگاه زائل شدنی نیست و عدم پاسخگویی به نیازهای کودکان آنان، به نوعی ائتلاف سرمایه‌های انسانی در آینده خواهد بود. بنابراین تربیت و پرورش کودکان و لزوم فراهم آوردن شرایط مادی روانی و فرهنگی مناسب آنان برای رشد فکری - عاطفی و اجتماعی آنان در خانواده و جامعه، به عنوان یک ضرورت



بدیهی نزد صاحب نظران مطرح است. بدین ترتیب شناخت علل و زمینه‌های بروز انحراف و کجروی‌هایی اطفال و نحوه پیشگیری از آن نه تنها برای جرم‌شناسان و مراکز تعلیم و تربیت، بلکه برای کلیه آحاد مردم از جمله مسائل مطرحی است که وجود تفاوت‌های قومی، فرهنگی، نژادی، دینی و اقلیمی ضرورت این شناخت را مضاعف می‌سازد. تفوق و رجحان اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از بروز و ظهور جرائم توسط اطفال بر سیاست‌های اعمال کیفری یکی از اصول مسلم در این مسئله است. از آنجا که مشارکت مردم در کلیه فرایندها منجر به کسب نتایج بهتر و مفیدتری است در این نوشتار نحوه حمایت از بزه‌دیدگی اطفال بر مبنای سیاست جنایی مشارکتی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و پرسش اصلی این پژوهش تبیین جایگاه حمایتی سازمان بهزیستی بر مبنای سیاست جنایی مشارکتی در قبال اطفال بزه دیده و بیان سازوکارهای مطرح این سازمان در این زمینه است.

بند دوم: تعریف مفاهیم و اصطلاحات

سیاست: سیاست واژه‌ای عربی و به معنای «تدبیر»، «حرکت» در جهت مصلحت امور بیان شده است. (ابن‌منظور، ۱۹۸۸: ۴۲۹/۶) علاوه بر آن به معنای «روش اداره‌ی مملکت در امور داخلی و خارجی و نیز رهبری و راهنمایی مردم به سوی راه درست در امر دنیا و آخرت» نیز بیان شده است. (المنجد، ۱۳۷۴: ۷۹۳/۱) در زبان فارسی این واژه به معنای «سیاست به معنای اداره کشور» و «پاس داشتن مملکت»، «نگاه داشتن»، «حفاظت»، «حکم راندن بر رعیت»، «حکومت و سیاست» و مرادف «politic» است. (دهخدا، ۱۳۷۳) البته «تأدیب و مجازات» که مرادف «punishment» نیز در شمار معانی این واژه از سوی اهل لغت به کار رفته است. این واژه در منابع فقهی به مفهوم جزایی اطلاق شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۲۲) سیاست در اصطلاح عبارت است از: «فن حکومت بر جوامع انسانی و توزیع اقتدارآمیز ارزش‌ها. (جاسمی، ۱۳۵۸: ۲۵۴) به بیانی دیگر سیاست یا خط مشی در سطح خرد (سازمان) عبارت است از «راهنمای انجام کار به منظور چگونگی تخصیص منابع و تجهیزات و تعیین وظایف برای رسیدن به اهداف مورد نظر. (همان) و سیاست در سطح کلان شامل تدوین راه حل عملی برای حل مشکل خاص اجتماعی یا رسیدن به اهداف ویژه است. (اشتریان، ۱۳۸۱: ۵۱)



سیاست جنایی: پیدایش سیاست جنایی در ابتدا به منظور اشاره به کاستی‌ها در عدالت کیفری و نقص ابزارها و سیستم‌های مورد استفاده برای مبارزه با جرم و جنایت و در حکم راهنمای کلی قانون کیفری در پرتو یک مطالعه شخصی بود. به تدریج این مفهوم با توجه به توسعه مفهوم جرم‌شناسی، مکاتب و نظریه‌های آن تکامل یافت. در واقع سیاست جنایی، منافع اجتماعی را که شایسته حمایت با مناسب‌ترین مجازات هستند را تعریف می‌کند. بنابراین ابزارهای پیشگیری و مبارزه با جرم سیاست جنایی است. این اصطلاح اولین بار توسط حقوق‌دان آلمانی «فوئربرگ» مورد استفاده قرار گرفت. بدین ترتیب روش‌های پیشگیری و روش‌های درمان و اصلاح مجرمان سیاست جنایی نامیده شد و ارزش قانون قابل اجرا را معین می‌کند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۱۱)

سیاست جنایی علی‌رغم تعاریف گوناگون آنچه به اجمال در مورد آن قابل بیان است این نکته است که سیاست جنایی علم روش‌شناسی فرآیند قانون‌گذاری کیفری و سازوکارهای مربوط به آن را مورد بحث قرار می‌دهد و کلیه فعالیت‌های حمایتی اعم از تقنینی، اجرایی، قضایی و اداری که در دولت برای مبارزه با جرم و جنایت اتخاذ می‌شود را شامل می‌شود. از اواخر قرن هیجدهم سیاست جنایی توسط استاد حقوق آلمانی^۲ حقوق کیفری به مجموعه روش‌های سرکوب‌کننده که دولت به وسیله آن در مقابل جرم واکنش نشان می‌دهد تعریف شد. مفهوم مضیق آن عبارت است از تجهیز وسایل عمدتاً قهرآمیز و تنبیهی و تکفل آن توسط دولت و محدوده آن فقط به صورت انحصاری در جرم. بنابراین انحرافات اخلاقی از دایره آن خارج است. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۷۸: ۸۰) به تدریج ورود جامعه مدنی به این تعریف باعث توسعه معنایی سیاست جنایی شد و معنای آن به مجموعه منظم اصولی که دولت و جامعه به واسطه آن‌ها مبارزه علیه بزه را سامان می‌بخشد تغییر کرد. در اواخر قرن بیستم میلادی سیاست جنایی توسط استاد فرانسوی^۳ به مجموعه روش‌هایی نامیده شد که به وسیله آن بدنه اجتماعی پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازماندهی کند. (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۴) یعنی «مبارزه سازمان یافته با بزهکاری و انحراف توسط دولت و جامعه مدنی» (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۷۸: ۸۱). به بیانی دیگر سیاست جنایی در معنای مضیق

۱. - G. Levasseur: La politique criminelle, RSC ۱۹۷۱., P: ۱۳۷-۱۳۸. p. ۲.

۲. Feuerbach German anthropologist

۳. Delmas-Marty, Mireille



خود همان سیاست کیفری است که امروزه یکی از زیرمجموعه‌های سیاست جنایی به شمار می‌رود و تنها شامل اقداماتی است که نظام کیفری از طریق قوه قضاییه و به کار بستن قوانین جزایی به آن می‌پردازد. سیاست کیفری تنها برخوردی حقوقی با پدیده جنایی دارد و ابزار آن مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی است و به همین دلیل نیز توانایی برخورد با انحراف را ندارد. (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۸۱) در نظام حقوقی ایران که منبعت از منابع فقهی است سیاست جنایی به مجموعه‌ای از راهکارهای کیفری و غیر کیفری گفته شده است که با شیوه‌ای خاص طراحی و تشریع شده است. در سیاست کیفری جنبه تهدید و ارباب و بازدارندگی مجازات و فردی کردن به لحاظ شخصیت و موقعیت مجرم مورد توجه ویژه قرار گرفته است. (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۳۱) در سیاست جنایی غیر کیفری ساختن شخصیت انسانی و تبدیل او به انسانی وارسته و مصون از کجروی و گناه مورد توجه قرار گرفته است. (همان) اگر سیاست جنایی را یک تأمل و تفکر معرفت شناسانه درباره پدیده مجرمانه، درک این پدیده و وسایلی بدانیم که برای مبارزه بر ضد رفتارهای حاکی از انحراف یا بزهکاری به اجرا گذاشته می‌شود، سیاست جنایی یک راهبرد حقوقی و اجتماعی، مبتنی بر گزینه‌های سیاسی، برای پاسخ دهی همراه با واقع بینی به مسائل ناشی از پیشگیری و کیفر پدیده مجرمانه در معنای وسیع آن است. (لازرژ، ۱۳۹۰: ۴۲ - ۴۱). سیاست جنایی در حال حاضر به عنوان پلی ارتباطی میان حقوق کیفری و علم جرم شناسی محسوب می‌شود و به کلیه تدابیر، روش‌ها، اقدامات و ابزارهای جزایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که مقنن در مجموعه قوانین و مقررات، با هدف پیشگیری از بزهکاری در اختیار مسئولان ذی‌صلاح دولتی قرار می‌دهند، اطلاق می‌شود (همان) بر این اساس هدف سیاست جنایی، مبارزه منطقی و هدفمند با بزهکاری است که اعم از پیشگیری، تنبیه و سرکوب است. البته این معنا شامل سیاست جنایی مشارکتی نخواهد شد، گرچه بخش عمده‌ای از سیاست جنایی که مشهور به سیاست جنایی تقنینی است، مربوط به قانونگذار است. (گاستون لواسور، ۱۳۷۷: ۴۰۱)

بخش دوم: چارچوب تئوریک و مبانی نظری

انسان موجودی اجتماعی است و ادامه زندگی وی به شیوه معقول و موفقیت‌آمیز به صورت انفرادی تقریباً غیرممکن است، لذا انسان از بدو تولد با دیگران ارتباط برقراری می‌کند. آنچه



از بررسی نظریه‌های مربوط به رفتارهای بزهکارانه کودکان و نوجوانان به دست می‌آید این نکته است که انگیزه‌های ناهنجاری‌های رفتاری و ارتکاب جرائم از نقص و کاستی‌ها، قصور و یا آزادی‌های انتخاب افراد و یا خصلت‌های روانی و به بیانی دیگر عوامل فردی به گونه‌ای که در رویکردهای کلاسیک و اثبات‌گرا بیان شده است ناشی نمی‌شود، بلکه رفتار بزهکاری و مجرمانه زایده و برگرفته از فرهنگ اجتماعی محیطی است که مردم جامعه در آن محیط به زندگی خود ادامه می‌دهند. از نظر مطالعات جامعه‌شناسی انگیزه‌های ارتکاب جرائم و رفتارهای مجرمانه دارای دلایل گوناگون است. مانند: تفاوت میان برخی از مناطق جغرافیایی نسبت به سایر مناطق و یا دگرگونی‌های موجود در هنجارهای فرهنگی و تأثیر آن بر رفتارهای فردی و گروهی، کاهش نفوذ خانواده با افزایش تأکید بر فردگرایی و مستقل بودن یا منزوی شدن افراد و درک تعامل پویا میان فرد و خانواده و گروه همسالان، مراکز آموزشی و مانند آن. بر این اساس نیروهای اجتماعی نقش اصلی را در شکل‌گیری جرم و ناهنجاری رفتاری ایفا می‌کنند.^۱ به طور کلی طبق دیدگاه‌های جامعه‌شناسی جرم و بزهکاری پدیده‌ای بهنجار و ضروری برای جامعه و بخشی از طبیعت انسان شمرده شده است، زیرا در همه شرایط برخورداری آحاد جامعه از فقر و ثروت قابل مشاهده است. تصور جامعه‌ای بدون جرم از نظر جامعه‌شناسان غیر ممکن است. اجتناب ناپذیری جرائم، ریشه در تفاوت‌های (عدم تجانس) اجتماعی دارد و ارتکاب آن در مواردی برای جوامع مفید و سودمند و مایه سلامت آن شمرده شده است. در این باره آمده است که ارتکاب بزهکاری یکی از موجبات تغییرات اجتماعی و خروج از جمود و انعطاف ناپذیری است. (یعقوبی‌دوست، ۱۳۹۶: ۲۶) بر طبق دیدگاه‌های جامعه‌شناسی که عوامل خاصی را برای بروز ناهنجاری رفتاری در نظر گرفته می‌شود، جرم و رفتار بزهکارانه بر مبنای ویژگی‌های فردی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. مطالعه و بررسی این دیدگاه‌ها حاکی از آن است که جرم یا رفتار بزهکارانه انتخاب داوطلبانه و آزاد فردی است و یا ناشی از فرآیند و تضادهای زندگی اجتماعی و یا رفتاری به دور از این ملاحظات است. با استفاده از نظریه‌های مربوط به زیست - اجتماعی نوعی ارتباط پویا میان دو دسته عوامل زیستی و محیطی منشأ

۱. Sigel, Graham. (۱۹۹۸). " peer victimization in school: Exploring the ethnic context. " Psychological science , No. ۱۵ , pp: ۳۱۷- ۳۲۱.



شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه است. یعنی عوامل مربوط به پیش‌زمینه‌های وراثتی و تربیت، طبق دیدگاه‌های اثبات‌گرای معاصر، مفهوم ناهنجاری‌های رفتاری غالباً در افرادی که معلول این عوامل هستند بیشتر قابل مشاهده است. (وایت و هینز، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۲۲) طبق این نظریه رفتار و خصوصاً رفتارهای مجرمانه دارای دو متغیر اصلی تأثیرات روانی و محیطی افراد است. در مقابل آن نیز نظریه خرده فرهنگ بزهکارانه بروز رفتارهای مجرمانه را منسوب به خرده فرهنگ بزهکارانه بیان کرده است که طی فرآیند تربیت و رشد به کودک آموزش داده می‌شود. رویارویی دو نظام ارزشی طبقاتی متفاوت و برتری و حاکمیت ارزش‌های طبقه‌ی متوسط کودک و نوجوان را ملزم به تبعیت از ارزش‌های حاکم و برتر می‌سازد. (شومیکر، ۱۳۸۹: ۱۸۰) شکست و ناکامی پذیرفته‌شدن در طبقه متوسط و حاکم منجر به ایجاد حس ناکامی و سرخوردگی و بروز رفتارهایی برگرفته از این شکست و ناکامی خواهد بود. (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۰۱) به زعم بسیاری از جامعه‌شناسان بسیاری از رفتارهای پرخاش‌گرایانه و مجرمانه پسران محصول شکاف ناشی از این انتظارات طبقه‌ی متوسط است. (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۷۴-۱۷۳) علاوه بر آن با استفاده از نظریه‌ی فرهنگ طبقه پایین که با در نظر گرفتن رفتارهای بزهکارانه جوانان طبقه‌ی پایین مطرح شده است، ناهنجاری رفتاری کودکان و نوجوانان را ناشی از علایق کانونی برگرفته از طبقات پایین جامعه بیان شده است که در واقع پاسخی به خرده فرهنگ آن طبقه است. (احمدی، ۱۳۸۴: ۷۴) پیدایش مکاتب جدید کیفری مانند مکتب دفاع اجتماعی با رویکرد جدید را باید سرمنشأ ایجاد دیدگاه‌های نوینی دانست که تأکید بر حمایت از نظام پیشگیری اجتماعی و مطالعه پیرامون مجنی‌علیه را بر سایر دیدگاه‌های دیگر تفوق و برتری داده است. مطالعات بزه‌دیده‌شناسی و قربانی‌شناسی مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفت. بزه‌دیده‌شناسی یا مجنی‌علیه‌شناسی شاخه جدیدی از جرم‌شناسی است که به بررسی قربانی مستقیم جرم می‌پردازد. بنابراین شناخت بزه‌دیده و آنچه به او مربوط می‌شود موضوع این دانش‌نوین است. در این دانش شخصیت، صفات‌زیستی، روانی و اخلاقی و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی بزه‌دیده و سهم او در تکوین جرم و رابطه‌اش با مجرم مورد بررسی قرار می‌گیرد. (کی‌نیا، بی‌تا: ۱۲) کودکان به واسطه ویژگی‌های شخصیتی و روانی در مطالعات مربوط به قربانی‌شناسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد، زیرا آسیب وارده به آنان در سنین کودکی تجارب تلخی را برای ادامه زندگی آنان رقم خواهد زد. این دوران که در واقع زمان



تکوین شخصیت انسانی کودک محسوب شده است نیازمند برخورداری کودک از سلامت روحی - روانی و جسمی است. بر این اساس است که در قوانین و مقررات کیفری رسالت تضمین رعایت حقوق کودکان بزه دیده به صراحت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. (اسدی، ۱۳۸۳: ۸۳) از سوی دیگر مطالعات و مباحث حقوقی در خصوص کودکان بزه دیده مشخص کرده است که بیشترین آسیب وارده به کودکان ناشی از جرائم خشن نسبت به کودکان کار و سوءاستفاده توسط اعضای خانواده است. درموقعی نیز قربانی واقع شدن اطفال برای بزه دیدگی غیرمستقیم و عدم آگاهی آنان است. (صفاری، ۱۳۸۸: ۳۰۲) صغر سن و وابستگی به والدین و در مواردی نیازهای مالی و یا گروه همسالان از دلایل بزه دیدگی کودکان و نوجوانان است. (گودرزی، ۱۳۸۲: ۱۰۴) کاستی‌های نظام کیفری و عدم ترمیم آسیب‌های وارده به کودک بزه دیده نه تنها کودک را به سوی بزه کاری سوق خواهد داد، بلکه زمینه بزه دیدگی سایر کودکان را نیز فراهم خواهد کرد. (همان: ۱۰۵) براین اساس یکی از ارکان ومؤلفه‌های تأثیرگذار در وقوع جرائم و سیاست جنایی پیشگیری از بزه دیدگی کودکان است و نقش والدین و حقوق و مسئولیت‌های آنان در قبال کودک از اهمیت بسیاری برخوردار است. یکی از وظایف اصلی والدین آماده سازی کودک برای داشتن یک زندگی مسئولانه در جامعه آزاد است. طبق شواهد و قرائن و مطالعات و تحقیقات انجام شده آموزش از بدو تولد کودک نقش بسیار مؤثری در کاهش بزه دیدگی او خواهد داشت. تمرکز سیاست جنایی متکی بر سیاست‌های پیشگیرانه نیز از عوامل موفقیت در جامعه پذیری کودک است. بدیهی است که ارتقای سطح آگاهی‌های کودکان و نوجوانان نسبت به تکالیف و مسئولیت‌های او در پیشگیری از بزه دیدگی اهمیت بسزایی دارد و این تعلیم و تربیت صحیح در ابتدا در خانواده و سپس در سیستم آموزشی باید محقق شود. کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال به درستی توانایی تشخیص تفاوت میان درست و غلط را ندارد و بدین ترتیب نیازمند حمایت از سوی نظام قضایی مرتبط با کودکان و نوجوانان است. بنابراین محافظت از او در قبال رفتار یا مجازات خشن، غیرانسانی یا تحقیر کننده ضروری است. رسیدن کودک به سن ۱۸ سالگی را باید سن رشد قوه تمیز و رشد او دانست. سن مسئولیت کیفری در قوانین بسیاری از کشورهای غیراسلامی، پایین‌تر از ۱۸ سال است. در قوانین جزایی کشورهای اسلامی که مبتنی بر احکام شرع مقدس اسلام است، انواع مجازات مربوط به کودک و نوجوان و نحوه اجرای آن به دقت تعیین شده است. ترمیم آسیب‌های کودکی که



قربانی بزه قرار گرفته است باید با حمایت از خانواده وی انجام گیرد و منفک ساختن کودک از خانواده اش خطا و اشتباه و در کندکردن برگشت کودک به زندگی عادی تأثیر گذار است. اطلاع و آگاهی والدین از شرایط ویژه کودک یکی از حقوق و مسئولیت های آنان در قبال نگهداری و تعلیم و تربیت کودک است. البته این ارتباط در راستای منافع عالیه کودک صورت می پذیرد و اگر برقراری ارتباط کودک با خانواده اش، مغایر با تأمین منافع عالیه وی باشد نیاز به برقراری ارتباط منتفی خواهد شد. بر این اساس تقویت احساس تعلق کودک به خانواده را باید یکی از مقومات اصلی سیستم پیشگیری از وقوع جرم در کودکان بزه دیده قلمداد کرد. اگر بزه دیدگی کودک ناشی از خانواد باشد والدین در بروز این آسیب مستقیم یا غیرمستقیم مسئولیت خواهند داشت. به نظر می رسد مسئول شناختن والدین در قبال بزه دیدگی اطفال عاملی جهت افزایش مسئولیت پذیری آنان در قبال فرزندان خواهد بود. بر این اساس حضور و مشارکت فعال آنان در فرآیند رفع آسیب کودک بزه دیده امری ضروری قلمداد شده است.

بخش سوم: چشم انداز و مأموریت های سازمان بهزیستی و حمایت از اطفال

بزه دیده

طبق اصل ۳ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۹ قانون اساسی و سایر اسناد بالادستی توسعه رفاه و تأمین اجتماعی جامعه یکی از اهداف بلندمدت نظام اسلامی محسوب شده و در این مسیر نه تنها رفاه و تأمین اجتماعی به عنوان حق همگانی آحاد جامعه، بلکه ارتقاء و توسعه روزآمد آن نیز از دیگر اهداف در این زمینه تلقی می شود. چگونگی تحقق رفاه و تأمین اجتماعی در ایران، در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (۱۳۸۳) تصویب و سازمان بهزیستی به عنوان یکی از سازمان های وابسته به وزارت رفاه و تأمین اجتماعی مأموریت یافت تا مساعی خود را در جهت حفظ کیان خانواده های آسیب پذیر و پیشگیری از موجبات بروز و تشدید ناهنجاری های جسمی و روانی به کار گرفته و با جلب مشارکت های مردمی امور مربوط به بازپروری، اصلاح و ارشاد اطفال بزه دیده را به سرانجام رساند.

بنداول: بزه دیده در لغت و اصطلاح

بزه از نظر لغوی به معنای گناه و خطا است. (معین، ۱۳۸۴: ۳۴/۱) و در اصطلاح بر فعل یا ترک فعلی که قانونگذار برای آن مجازات در نظر گرفته شده باشد جرم اطلاق شده



است. (صانعی، ۱۳۷۶: ۱۷۳/۱) بزه‌دیده یا قربانی فردی است که غیرخودآگاه در وضعیت دشوار و یا محیط نامناسب و یا مصبت شده است. (انوری، ۱۳۸۲: ۱۷۰۸) زمانی فرد بزه‌دیده خطاب می‌شود که فعل مجرمانه‌ای موجب آزار و اذیت و آسیب او شده باشد. بنابراین اگر فردی به خاطر عملی که قانونگذار آن را جرم به شمار نیاورده دچار مشکلی شود، بنا بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات فاعل، فعل زیان بار محسوب نشده و فاقد مسئولیت کیفری است. (میرکمالی، ۱۳۹۱: ۳) در علوم جنایی، هرگاه آسیب، زیان، رنج و سختی از رفتار مجرمانه انسان برخاسته باشد، فرد زیان‌دیده از آن را «قربانی جرم» یا «بزه‌دیده» می‌نامند. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۵) در اعلامیه کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد (۱۹۹۶) بزه‌دیدگان عبارت‌اند از اشخاصی که از رهگذر فعل یا ترک فعل‌های ناقض قوانین کیفری و یا ... به شکل فردی یا گروهی آسیبی به حقوق بنیادی آنان وارد آمده است. (شایان، ۱۳۸۴: ۱)

مفهوم بزه‌دیده در بحث‌های مربوط به جرم‌شناسی و بحث‌های حقوقی دارای تعاریف بسیار متنوع و گسترده‌ای است؛ اما در مجموع باید بیان کرد که این تعاریف به دو دسته تعاریف موسع و مضیق قابل تقسیم است. در تعاریف موسع از بزه‌دیده بیشتر به ورود ضرر و آسیب‌های فردی توجه می‌شود. (فیلزولا، ۱۳۷۹: ۹۶)، اما در تعاریف مضیق تنها به خاستگاه آسیب ناشی از جرم و منشأ ایراد خسارت مورد توجه مقنن قرار خواهد گرفت. این واژه از سال ۱۳۱۷ به جای اصطلاح «مجنی‌علیه» مورد استفاده قرار گرفت. بزه‌دیدگی علاوه بر آثار جسمی، دارای آثار روانی بی‌شماری است که نه تنها بزه‌دیده را مورد آسیب قرار می‌دهد؛ بلکه خانواده و خویشاوندان درجه یک و سایر بستگان نیز از این طریق مصون از آسیب و آفت نخواهند بود. (اصلانی، ۱۳۹۰: ۱۸)

بند دوم: مبانی حمایت از بزه‌دیده

مبانی از ریشه «مبنا» در اصطلاح عبارت است از اصل یا قاعده کلی که نظام حقوقی مبتنی بر آن و مقررات حقوقی بر اساس آن وضع شود. (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱: ۱۶۹) مبنای هنجاری حمایت از بزه‌دیده در واقع به ابعاد حمایت از بزه‌دیدگان توجه دارد و از اهداف بنیادین سیاست جنایی محسوب می‌شود؛ زیرا حمایت از نیازمندان، مستضعفان و به ویژه بزه‌دیدگان، جزء ارزش‌های جوامع است و از این‌رو، حمایت از آنان مبنای ارزشی



دارد. (عبدالفتاح، ۱۳۷۱: ۸۹) از دیگر مبانی این حمایت کوتاهی دولتها در جلوگیری از پدیده مجرمانه است که جنبش حمایت از بزه‌دیده بر اثر ناتوانی جوامع غربی در پیش‌گیری از رشد صعودی و مداوم بزه‌کاری در دهه اخیر به وجود آمده است، به گونه‌ای که بر اثر فقدان قدرت عمل در مورد عمل جرم، تنها چاره ممکن، حمایت از بزه‌دیدگان و تخفیف اثرات پدیده مجرمانه عنوان شده است. (ریموند، ۱۳۷۶: ۱۹۸) در دهه‌های گذشته حمایت از بزه‌دیده به واسطه اهمیت آن در کاهش جرائم و تحقق عدالت اجتماعی مورد توجه حقوقدانان و صاحب‌نظران قرار گرفته و مجنی‌علیه شناسی یا بزه‌دیده شناسی به عنوان شاخه‌ای جدید از علم جرم‌شناسی مطرح و در مرحله بعد مقنن سازوکارهای حمایت از او را وظیفه ذاتی خود قلمداد خواهد کرد. این وظایف در قبال بزه‌دیدگی زنان و اطفال دو چندان خواهد شد. (عبدالفتاح، ۱۳۷۱: ۹۳) از دیگر مبانی حمایت از بزه‌دیده الغای نظام کیفری و تأمین خسارت‌های وارد بر بزه‌دیده است؛ زیرا جبران خسارت‌ها و تأمین فرد بزه‌دیده از طریق مصالحه و قطع خصومت غیر قضایی، سیاست کیفری و حقوق جزا را به حاشیه می‌راند. (برندآبادی، ۱۳۷۰: ۱۴۴) از دیگر مبانی حمایت از بزه‌دیده پیشگیری از وقوع جرم است. (توجهی، ۱۳۷۷: ۳۲) مبنای عقیدتی حمایت از بزه‌دیده نیز به عنوان تکلیف شرعی شمرده شده که موجب رستگاری و خشنودی خداوند است. (نساء: ۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۰/۷۲)

بند سوم: انواع و اقسام اطفال بزه‌دیده

حقوقدانان از دهه ۱۹۴۰ با در نظر گرفتن رابطه میان بزه‌دیده و بزهکار به درک بهتری از علل و ریشه‌های جرم رسیدند. به تدریج گونه‌ای از جرم شناسی به نام بزه‌دیده شناسی که اساس آن بر مطالعه بزه‌دیدگان استوار است، به عنوان شاخه‌ای نوین از جرم شناسی نظری پدید آمد. صاحب‌نظران و حقوقدانان گونه‌های کنش‌های متقابل بین بزه‌دیده و بزهکار را به سه قسم تقسیم کردند:

الف: بزه دیدگان کاملاً بی‌گناه مانند کودکان بزه‌دیده

ب: بزه‌دیدگاه سهیم در بروز بزه

ج: بزه‌دیده بزهکار

ویژگی‌ها و بروز رفتارها و علائمی که بزه‌دیده آن را آگاهانه و یا ناآگاهانه برای وقوع بزه



فراهم آورده است در ترسیم سهم بزه‌دیده در بروز بزه بسیار تأثیرگذار است. (خراسانی، ۱۳۸۴: ۵۸) اطفال به واسطه توانایی کمتر به شکل مستقیم یا غیرمستقیم متحمل خسارت اعم از مادی یا معنوی در خانه و یا در جامعه می‌شوند با اصطلاحی به نام «کودکان در خطر» و یا «در آستانه خطر» نامیده شده‌اند. چنین کودکانی سلامت فیزیکی، روانی و اخلاقی آنان در آستانه خطر شدید است و اگر این خطر ویژگی مجرمانه داشته باشد کودک در خطر بزه‌دیده انگاشته می‌شود. در جرم‌شناسی، آسیب‌پذیری فرد یکی از معیارهای اصلی طبقه‌بندی در بزه‌دیده‌شناسی نخستین است که در یکی از این طبقه‌بندی، کودکان و نوجوانان بزه‌دیده بر اساس شاخص آسیب‌شناسانه سن از بزرگسالان بزه دیده جدا می‌شوند. پیامد چنین دیدگاهی دگرگونی نگرش‌ها در چگونگی برخورد با بزه‌کاری کودکان و نوجوانان است که منجر به پیدایش سیاست جنایی به نام سیاست جنایی افتراقی در برابر کودکان و نوجوانان انجامید. (رایجیان، بی‌تا: ۵)

بند چهارم: سیاست افتراقی کیفری و اطفال بزه‌دیده

حمایت از حقوق قربانی جرم از مهم‌ترین موضوعات نظام‌های دادرسی کیفری نوین به شمار می‌رود. از گذشته‌های دور حقوقی برای بزه‌دیده در محاکم کیفری در نظر گرفته نمی‌شد و رویکرد «مقصرانگاشتن بزه‌دیده» سایه سنگین خود را بر محاکم برقرار کرده بود. به تدریج «بزه‌دیده‌شناسی علمی» وظیفه تبیین مؤلفه‌ای جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی بزه‌دیدگی را برعهده گرفت. در این بررسی، تنها بر روی نقش بزه‌دیده در وقوع جرم و میزان مسئولیت او تمرکز نکرده، بلکه با توجه به موقعیت بزه‌دیده که او را در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌دهد، به حمایت از بزه‌دیده در کاهش بزه‌دیدگی و آسیب‌های وارده بر او تلاش می‌کند. (ساندرا، ۱۳۸۶: ۷۱) در حال حاضر سیاست افتراقی کیفری با تأکید بر برخی از ملاحظات بزه‌دیده‌شناختی بر مبنای الزامات عام و خاص حمایتی از برخی از موارد خاص و حساس بزه‌دیدگی به عمل می‌آورد. در این سیاست افتراقی با استفاده از قوانین داخلی و شاخصه بلوغ، بزه‌دیدگان به دو قسم اطفال و نوجوان تقسیم و گونه‌های واجد دریافت حمایت مشخص و تدابیر لازم در این زمینه اتخاذ می‌شود. تا قبل از تصویب قانون حمایت از اطفال و جوانان (۱۳۹۹) جلوه‌هایی از این سیاست برای اطفال بزه‌دیده در قوانین جزایی عام و خاص و مقررات دادرسی کیفری، قابل مشاهده بود. بعد از تصویب این قانون حمایت

از اطفال و نوجوانان با جدیت بیشتری در کاربست‌های ماهوی و شکلی مورد اجرا قرار می‌گیرد. این قانون از بعد ماهوی به جرم‌انگاری و کیفری بزه ارتكایی علیه اطفال و نوجوانان را مورد حمایت قرار داده و در فاز شکلی نیز با در نظر گرفتن نهادهای تخصصی رسیدگی به جرائم مانند: پلیس اطفال، مددکاران اجتماعی، نیروهای آموزش دیده، شعب ویژه در دادسرا و هماهنگی میان نهاد قضایی با سایر نهادهای ذی‌ربط و گام‌های بسیار موثری را در زمینه اتخاذ رویکرد افتراقی در قبال اطفال و نوجوانان برداشته است. از این طریق امور مربوط به حمایت از بزه‌دیدگان با تأکید بر رعایت و تضمین هرچه بیشتر حقوق آنان و تأمین خسارات وارده بر آنان رشد و گسترش یافت و با نام‌هایی مانند «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی» یا «بزه‌دیده‌شناسی اقدام» یا «بزه‌دیده‌شناسی ثانویه» موسوم شده است. (نجفی ابرندآبادی، بی‌تا: ۲۴۲) اقدامات و حمایت به بزه‌دیدگان اطفال و نوجوان شامل: حمایت پس از تحقق جرم از قبیل حمایت‌های پزشکی، روانشناختی و حمایت در مرحله دادرسی از قبیل تفهیم حقوق و فراهم آوردن نیازهای حقوقی، حمایت در مرحله تأمین ضرر و زیان از قبیل تأمین خسارت زیان دیده از منابع دولتی. (توجهی، ۱۳۸۰: ۵۹)

بند پنجم: مسائل و موضوعات استراتژیک سازمان بهزیستی با رویکرد حمایت از اطفال بزه‌دیده

شناسایی کودکان در معرض خطر و بزه‌دیده از گذشته‌های دور در قوانین و مقررات مورد توجه صاحب نظران و اندیشمندان قرار گرفته است. در بند ۲ ماده ۱۹ کنوانسیون سازمان ملل متحد حمایت از حقوق اطفال مورد تأکید قرار گرفته و کشف و پیشگیری از جرائم علیه اطفال به عنوان یکی از وظایف نظام حاکمه شمرده شده است. در نظام حقوقی ایران شناسایی اطفال بزه‌دیده از دیدگاه مقنن خارج نبوده و در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) مورد تأکید قرار گرفته است. طبق بند ۷ از ماده ۱ آیین نامه اجرای ماده ۶ این قانون مراجع ذی‌صلاح در حقوق کودک و مددکاران اجتماعی سازمان بهزیستی مکلف به شناسایی و تشخیص طفل و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده شده‌اند. این مأموریت شامل: ایجاد حق شکایت برای طفل، اجباری کردن تهیه گزارش‌های لازم از موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و وقوع جرائم علیه اطفال است. تا پیش از تصویب این قانون در مورد پذیرش شکایت از سوی طفل بزه‌دیده نقل قول‌های مثبت و منفی بسیاری وجود



داشت؛ زیرا شکایت طفل به علت فقدان شرایط اهلیت و بلوغ نزد محاکم مسموع نبود و با تصویب این قانون و آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ آن مصوب (۱۴۰۰) کلیه جرائم علیه اطفال از جنبه عمومی قابلیت طرح شکایت یافت. طبق ماده ۳۰ این قانون شکایت طفل و نوجوان زمینه‌ساز شروع تعقیب و مراحل دادرسی خواهد بود. ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۵ و ۲۸ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز مؤید بر این معنا خواهد بود. بر این اساس سازمان بهزیستی و نیروی انتظامی وظیفه شناسایی اطفال در معرض خطر را برعهده خواهند داشت. علاوه بر آن ملزم نمودن عامه مردم به گزارش در مورد بزه‌دیدگی اطفال و موقعیت‌های خطرآفرین در جلوگیری از بزه‌دیدگی اطفال از اهمیت بسیاری برخوردار است. تا قبل از تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) با وجود قوانین مطرح در خصوص ارائه گزارش‌های مردمی از بزه‌دیدگی اطفال و موقعیت‌های خطرآفرین (ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری) ارائه این گزارش‌ها یا انجام نمی‌پذیرفت و یا در سطح بسیار اندکی توسط برخی از سازمان‌های مرم نهاد، مطابق مواد ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری انجام می‌گرفت. به علت اهمیت این گزارش‌ها در جلوگیری از وقوع جرائم علیه اطفال در ماده ۱۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) ارائه این گزارش‌ها اجباری و در صورت تخلف از آن مجازات حبس برای آن در نظر گرفته شد. یکی از مهم‌ترین راهکارها برای ارتقای سطح کیفی سیاست جنایی پیشگیرانه مشارکت نهادهای دولتی و سازمان‌های غیر دولتی در حمایت از اطفال و نوجوانان است که علاوه بر افزایش راندمان و بازدهی برنامه‌های حمایتی بلکه پاسخی درخور و شایسته به پدیده کودک آزاری است. طبق ماده ۳ قانون پیشگیری از جرم (۱۳۹۴) اجرای برنامه‌هایی برای تسهیل و ارتقاء زمینه‌های مشترک همکاری با نهادهای دولتی و سازمان‌های غیر دولتی در پیشگیری از وقوع جرم بسیار مهم و تأثیرگذار است. این معنا در ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) مورد توجه مقنن قرار گرفته است و تکالیف و مأموریت‌هایی برای نیروی انتظامی، آموزش و پرورش، وزارت کشور، پزشکی قانونی و سازمان بهزیستی در این راستا در نظر گرفته شده است. در بند «ث» قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) وزارت کار مکلف شده تا اقدامات زیر را در جهت شناسایی اطفال و نوجوانان بزه‌دیده یا در معرض خطر انجام دهد: نظارت مؤثر بر اماکن کار، معرفی اطفال و نوجوانان بزه‌دیده یا در معرض خطر به نهادهای حمایتی و قضایی، در هر



مورد موضوع جهت ارائه خدمات حمایتی به ادارات بهزیستی و جهت تعقیب مرتکبان به واحد حمایت از اطفال و نوجوانان دادگستری اطلاع رسانی شود.

بندششم: سیاست جنایی مشارکتی و نقش سازمان‌های مردم نهاد در بزه‌دیدگی

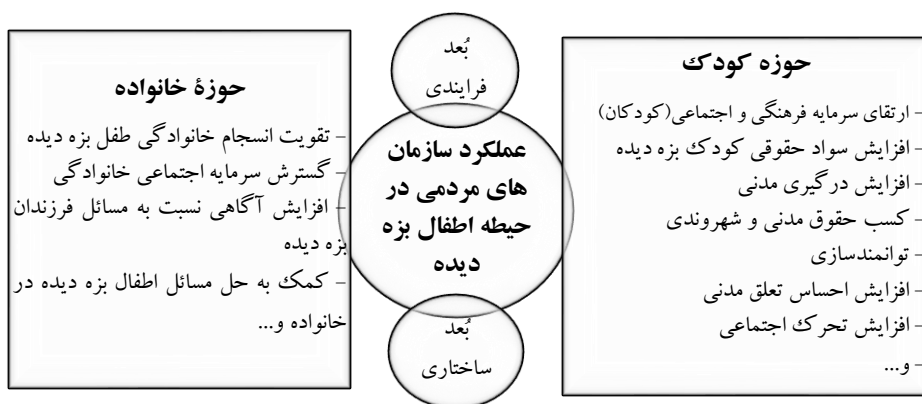
اطفال

هدف اصلی از سیاست‌های جنایی مشارکتی پررنگ ساختن نقش مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان ارکان اصلی اجرای سیاست‌های پیشگیرانه است. این نوع سیاست که نقش و جایگاه مردم و سایر نهادهای اجتماعی و غیردولتی در فرایند کیفری تعریف شده است اجرای سیاست‌های پیشگیرانه بر علیه بزه‌دیدگی اطفال در سیاست جنایی مشارکتی به دو قسم کنشی (پیشگیرانه یا فعال) و واکنشی (پاسخگو یا منفعل) قابل تقسیم است. هدف اصلی از اجرای سیاست جنایی مشارکتی کنشی جلوگیری از ارتکاب جرم یا کاهش آن از طریق فرهنگ سازی و یا تغییر در رفتارهای اجتماعی است. در سیاست جنایی مشارکتی واکنشی یا ثانویه، دخالت دادن مردم و نهادهای غیردولتی در فرایند کیفری، تنها پس از وقوع جرائم و به منظور بستر سازی مناسب قوانین و سایر برنامه‌های مشارکتی در قوانین است. سیاست جنایی مشارکتی به علت نوپا بودن برای رفع محدودیت‌ها و نواقص آن نیازمند به کارگیری سازوکارهای مناسب در این زمینه است. بدین ترتیب اجرای مؤلفه‌های مربوط به سیاست جنایی مشارکتی که جلوه ای از حضور و مداخله مردم در مراحل مختلف کشف، تعقیب، داوری، اجرای حکم و پیشگیری از بزه کاری و بزه‌دیدگی است در حال حاضر به عنوان شیوه‌ای رایج در انواع نظام‌های دنیا در حال انجام است. به بیانی دیگر نظام‌های حاکمه نسبت به نقش مؤثر مردم و سازمان‌های مردم نهاد (NGO) در پیشگیری از وقوع جرائم اشراف داشته و زمینه‌های توسعه و بسط فعالیت‌های آنان را فراهم می‌کنند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۴۳) سازمان‌های غیر دولتی دارای تعاریف مختلف و متضادی است. در برخی موارد از آن‌ها به عنوان نظام‌های صنفی و حرفه‌ای شوراهای اسلامی یا محلی و در بعضی دیگر به عنوان سازمان‌های خیریه یاد می‌شود «سازمان‌های مردم نهاد» یا «سمن‌ها» نیز عنوان دیگری است که به این سازمان‌ها اطلاق می‌شود. واژه «Government» به معانی مختلفی از جمله «دولت» و «حکومت» تعبیر شده است. (جعفری، ۱۳۷۸: ۶۶) دولت به مفهوم «ساخت قدرتی به صورت نهادها و سازمان‌های اداری سیاسی، قضایی و نظامی



فعلیت می‌یابد؛ اما حکومت مفهومی محدودتر دارد. در نظام‌های قانونی جدید که در آن‌ها تفکیک قوا و اصول حکومت قانون به رسمیت شناخته شده است، حکومت به معنای قوه اجرایی به کار می‌رود یعنی «مجموع دستگاه اداری، سیاسی، انتظامی و نظامی کشور که در رأس آن هیئتی به نام کابینه یا هیئت وزیران قرار دارد و ...» (انوری، ۱۳۸۱: ۹۸؛ گودرزی، ۱۳۸۱: ۴۳) اما قسمت دیگر این ترکیب «Organization» است که به معنای سازماندهی ساختار و سازمان تعریف شده است و با ترکیب «Non» به معنای نادولتی یا غیر دولتی است. به نظر می‌رسد تغییر نام این سازمان‌ها از «غیر دولتی» به «مردم نهاد» نیز پیش درآمدی برای نزدیک کردن ساختار و شیوه مدیریت این سازمان‌ها به نظام فرهنگی، اجتماعی و بومی ایران باشد تا با اختلاط شیوه‌های سنتی مشارکت و مدل‌های امروزی به نوعی مشارکت نوین دست یافت که از یک طرف همسو با مدیریت کارآمد جهان امروز و از طرف دیگر در راستای فرهنگ بومی و سازگار با آن باشد که خود می‌تواند سبب بهره‌وری بهینه از آنان شود. با دریافت حمایت‌های مالی از سوی مردم و نظام حاکمه بسیاری از کاستی‌های دولت در حمایت ویژه از اطفال با فعالیت‌های سازمان‌های مردم نهاد پوشش داده خواهد شد. بدین ترتیب سازمان‌های مردم نهاد مبدل به بازوانی از سوی جامعه مدنی برای نظارت بر اقدامات دولت‌ها در پیش‌بینی برنامه‌های گسترده کیفری و رفع نواقص و کمبودهای آن، مبدل شدند. بر این اساس سازمان بهزیستی طبق بند «د» قانون ساختار و با تکیه بر اصل مشارکت، موظف به همکاری با سازمان‌های مردم نهاد در حوزه جرائم علیه اطفال است و مداخله دولت طبق بند ۳ قانون ساختار تا آنجا خواهد بود که تعداد سازمان‌های غیردولتی نتوانند نیاز به ارائه خدمات دولت را مرتفع کنند. علاوه بر آن وفق ماده ۱۲ همین قانون سازمان‌های غیردولتی را رکن چهارم نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی دانسته و رکن سوم خود را مکلف به واگذاری امور اجرایی و تصدیگری خود به این نهادها نموده است. در نتیجه برای تمرکززدایی از وظایف دولت می‌توان و باید به گسترش و فعال‌سازی سازمان‌های مردم نهاد مبادرت کرد. نقش این سازمان‌های برای سازمان بهزیستی از آن نظر اهمیت دارد که این سازمان در کوتاه‌ترین فاصله از مردم و در رابطه مستقیم با آنان و از سوی دیگر تشکیلاتی غیرانتفاعی و داوطلبانه دارد که در صورت موفقیت در اقدامات بهترین دستاوردها را نیز به همراه خواهد داشت. سازمان بهزیستی در خصوص واگذاری بیشترین خدمات قابل قبول خود به سازمان‌های غیر دولتی دارای رتبه

سوم در کشور است.



شاخص های عملکرد سازمان های غیر مردمی در حوزه حمایت از اطفال بزه دیده با توجه به نقش آنان عبارت است از: ارتقای سرمایه فرهنگی و اجتماعی، افزایش سواد حقوقی، افزایش درگیری مدنی، کسب حقوق مدنی و شهروندی، قدرتمندسازی، افزایش احساس تعلق مدنی، افزایش تحرک اجتماعی و... در حوزه ی حمایت از خانواده های اطفال بزه دیده این فعالیت ها قابل مشاهده است: تقویت انسجام خانوادگی، گسترش سرمایه ی اجتماعی - خانوادگی، افزایش آگاهی نسبت به مسائل اطفال بزه دیده و

بندهفتم: شیوه ها و کارکردهای سازمان های مردم نهاد در قبال اطفال بزه دیده

سازمان غیر دولتی (مردم نهاد) در علم حقوقی به سازمان علمی، حرفه ای، تجاری یا عام المنفعه ای که نه تنها وابستگی به دولت ندارد، بلکه نهادهای حاکمیتی نیز کنترلی بر برنامه های آنان نداشته و آنان داوطلبانه به مأموریت های خود در جامعه مدنی ادامه می دهند.^۱ این سازمان ها همان گونه که از اسم آن پیداست شاید مهم ترین خصایص آن، سازمانی بودن، یعنی وجود نوعی همکاری گروهی بین اعضای آن و مردمی بودن است. غالب مأموریت های این سازمان ها با اهداف بشردوستانه و در راستای اهداف انسانی انجام می پذیرد. ساماندهی مشارکت های مردمی و بسیج این نیروها در حمایت از کودکان و پیشگیری از بزه دیدگی آنان یکی از اهداف راهبردی این سازمان ها محسوب می شود. یکی از

۱. Blacks law dictionary.p.۱۰۸۰.



قدیمی‌ترین تقسیم‌بندی‌های مربوط به پیشگیری، پیشگیری از بزه‌کاری نوجوانان و بزرگسالان است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۳۴) در واقع پیروان این اندیشه اعتقاد دارند که تنها بزه‌کاری کودکان و نوجوانان می‌تواند موضوع تدابیر پیشگیرانه قرار گیرد و پیشگیری بزه‌کاری عمومی با ارباب ناشی از تهدید کیفر و پیشگیری از تکرار جرم با اجرای کیفر محقق می‌شود. گونه دیگر، پیشگیری منفعل و پیشگیری فعال است. پیشگیری منفعل به استقبال پدیده مورد نظر پیشگیری نمی‌رود؛ بلکه به تهدید، ارباب و هشدار بسنده می‌کند در حالی که پیشگیری فعال همان‌گونه که از نام آن مشخص است به صورت کاملاً فعالانه در این زمینه وارد عمل می‌شود. تا پیش از این، پلیس سعی می‌کرد تا با تهدید و هشدار از ارتکاب جرائم جلوگیری کند، لیکن امروزه سعی می‌کند با مثلاً ایجاد پست‌های بازرسی فعالانه و درگیر در فرآیند پیشگیری گام بردارد. (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۴۹) بنابراین مهم‌ترین شیوه و کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در قبال اطفال بزه‌دیده بحث پیشگیری است. برنامه‌های پیشگیری با توجه به مبانی نظری آن به دو دسته برنامه‌ها تقسیم می‌شوند: دسته اول: برنامه‌های پیشگیری محیط مدار که تلاش دارد تا با تغییر محیط اجتماعی، از ارتکاب جرم جلوگیری کند. این دسته خود به دو نوع یکی تغییر محیط در باز سازماندهی آن توجه دارد و دیگری، سعی دارد با پر کردن اوقات فراغت نوجوانان و درگیر کردن آن‌ها در برنامه‌های اجتماعی، از ارتکاب جرم پیشگیری کند.

دسته دوم: برنامه‌های پیشگیری اجتماعی که با رویکردی تربیتی درمانی اعمال می‌شوند، بر خلاف برنامه‌های دسته اول که جنبه جامعه‌شناختی آن‌ها غلبه داشت، بر عوامل ذاتی و روانی تکیه دارند. هدف این برنامه‌ها بیشتر اطفال و خانواده‌های مشکل‌دار است. (همان: ۶۱) برنامه‌های اجرا شده توسط این سازمان‌ها در اصلاح فرآیند شخصیت‌سازی طفل بزه‌دیده دخالت دارد و بدین ترتیب از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی آن‌ها که به نوعی باهم مرتبط نیز می‌باشند، پیشگیری می‌شود به طور کلی نهادهای مردمی در این راستا از دو طریق می‌توانند ایفای نقش کنند.

۱. شناسایی، جذب و معرفی این کودکان به نهادهای رسمی.

۲. تهیه بسته‌های آموزشی در راستای اقدامات تربیتی، آموزشی و حمایتی از اطفال بزه‌دیده.

پیشگیری اجتماع مدار توجه خاصی به علل بنیادین جرم دارد. اینگونه از پیشگیری

اجتماعی بیشترین تمرکز خود را متکی بر سیاست‌هایی متمرکز می‌دارد که سعی در بهبود بهداشت، زندگی خانوادگی، مسکن، آموزش، اشتغال و محیط‌های محلی بزه‌کاران و بزه‌دیدگان بلقوه دارند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۴۵) تجربه ثابت کرده است که برای عملکرد هر چه مثبت‌تر در این زمینه‌ها تمام سازمان‌های دولتی از جمله سازمان بهزیستی و سازمان‌های غیر دولتی باید به صورت مشترک در اجرای برنامه‌های پیشگیری دخیل باشند. از جمله فعالیت‌های مشترک بهزیستی با سازمان‌های مردم‌نهاد فرصت دادن و انجام تمهیدات لازم برای استفاده طفل بزه‌دیده از فرایند رسیدگی است. طبق بند ۲ ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک طفل باید بتواند در هر یک از مراحل دادرسی، اجرایی و قضایی مربوط به او به طور مستقیم و یا از طریق یک نماینده یا شخصی مناسب، عقیده خود را ابراز نماید. ماده ۴۱ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان نیز دادگاه را مکلف نموده است برای مشارکت کودک در فرایند رسیدگی، بدون ورود آسیب به وی، تدابیر و اقدامات مقتضی از قبیل فراهم آوردن امکان مشارکت او بدون حضور فیزیکی را اتخاذ نماید. مرجع قضایی برای تصمیم‌گیری در این خصوص، نیازمند کسب اطلاعاتی در زمینه محدودیت‌ها و آسیب‌هایی است که اظهارات کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مددکاران اجتماعی به عنوان کارشناسانی که آموزش‌های لازم را در زمینه کودکان بزه‌دیده دیده‌اند، می‌توانند با ارائه نظرات تخصصی، در این مورد نیز با مرجع قضایی همکاری داشته باشند. روش ضبط ویدئویی اظهارات کودک و نیز انتقال اظهارات کودک به دادگاه توسط متخصصین، از شیوه‌هایی است که امروزه در بسیاری از کشورها به منظور آسان کردن مشارکت کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این میان مددکاران اجتماعی، هم در انتخاب شیوه مشارکت و هم در اجرای این روش‌ها، می‌توانند تأثیرگذار باشند. علاوه بر آن انجام برخی از اقدامات سنجیده و برنامه‌ریزی شده برای خارج کردن کودک بزه‌دیده از وضعیت بحرانی لازم است که در اصطلاح «مداخله» نامیده می‌شود. خروج کودک از این مرحله بحرانی امری تخصصی و نیازمند طی آموزش‌های لازم در این زمینه است که طبق ماده ۳۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی را موظف کرده تا اقدامات مربوط به رفع خطر (سلامتی کودک) و کاهش آسیب (امنیت) و پیشگیری از وقوع جرم را با مشارکت و همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد و سایر مراکز ذی‌ربط انجام دهد. علاوه بر آن طبق ماده ۴۴ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان با در نظر گرفتن غبطه و مصلحت کودک و نوجوان،



انجام تحقیقات مقدماتی درباره وضعیت جسمی، روحی و روانی وی یا والدین، اولیاء و یا سرپرستان قانونی او، وضع خانوادگی و محیط سکونت، اشتغال، تحصیل و سایر اماکن مرتبط با کودک و نوجوان را به مددکاران اجتماعی بهزیستی یا واحد حمایت دادگستری محول نماید. تشکیل پرونده شخصیت، مستلزم پرس و جو و تحقیق از کودک بزه‌دیده و خانواده وی، در زمینه‌های مختلف جسمی، روانی، خانوادگی، اجتماعی و ... می‌باشد. این نوع تحقیقات، ممکن است نوعی دخالت در امور خصوصی و خانوادگی محسوب شده و از طرف آن‌ها غیر قابل پذیرش باشد. بنابراین انجام این‌گونه تحقیقات نیازمند به کارگیری متخصصانی است که آموزش‌های لازم را در این زمینه دیده باشند و بتوانند با جلب اعتماد کودک بزه‌دیده و خانواده وی و احترام به حقوق آن‌ها، تحقیقات جامع و دقیقی را به مرجع قضایی ارائه دهند. در صورتی که تحقیق‌کننده از دانش و مهارت کافی برای جلب اعتماد و مشارکت کودک بزه‌دیده و خانواده او برخوردار نباشد، انجام این تحقیقات، خود موجبات بزه‌دیدگی دومین کودک را فراهم نموده و نظام عدالت کیفری را از هدف اصلی خود دور می‌سازد. به همین دلیل به نظر می‌رسد، واحد مددکاری اجتماعی سازمان بهزیستی در این زمینه می‌تواند نقش فعالی داشته باشد. شناسایی کودکان در معرض خطر و بزه‌دیده از دیگر کارکردهای سازمان‌های مردم‌نهاد در برنامه‌های حمایتی برای اطفال است. (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۶: ۴۴) مطابق با ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در عرصه حمایت از اطفال و نوجوانان، به ثبت رسیده باشد، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه فعالیت‌های مذکور در اساسنامه خود اعلام جرم کرده و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.

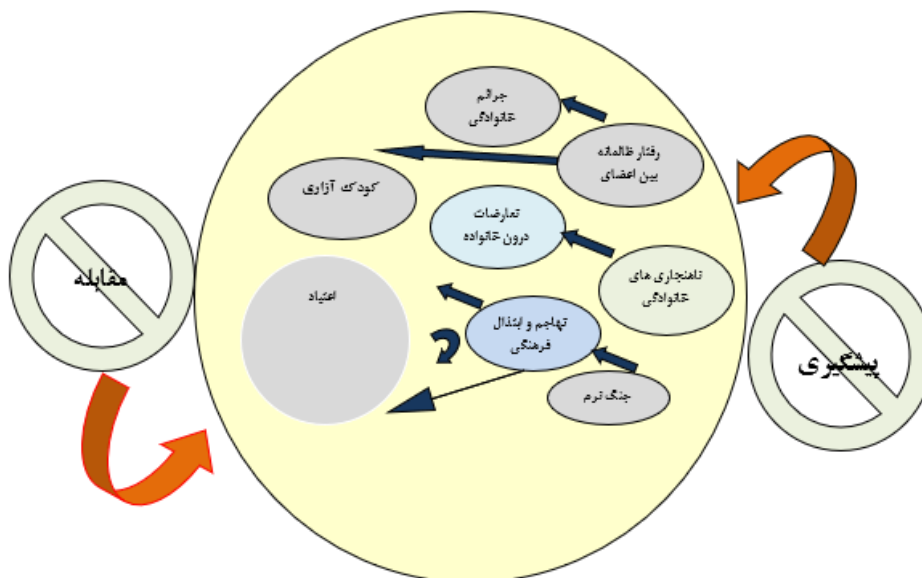
البته در تبصره این ماده تنها سازمان‌های غیرمردمی که مجوز از سوی قوه قضاییه داشته باشند محدودیتی برای حضور در این فعالیت‌ها نخواهند داشت. همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد با پلیس ویژه اطفال در حمایت از کودکان بزه‌دیده و کمک‌ها و حمایت‌های تقنینی برای تدوین قوانین لازم و رفع کاستی‌های قانونی مربوط به بزه‌دیدگی اطفال، ارائه مشاوره‌های حقوقی به اطفال بزه‌دیده و آگاه‌سازی آنان از قوانین و مقررات و علاوه بر آن ارائه حمایت‌های پزشکی-اجتماعی مانند حمایت پزشکی و روان‌پزشکی و.. کلیه ظرفیت و توان این سازمان‌ها طبق قوانین در جریان تعقیب، تحقیق، محاکمه و نیز اجرای حکم برای حمایت از اطفال بزه‌دیده به کار گرفته می‌شود.

مدل ترسیمی اقدامات مربوط به هدایت و ساماندهی نهادهای دولتی و مردمی توسط سازمان بهزیستی



بند هشتم: سازمان بهزیستی و برنامه های توانمندسازی و مراقبتی اطفال بزه دیده

دست یافتن به جامعه ای عاری از علل و عواملی که منجر به بروز آسیب های اجتماعی، انحراف و بزه کاری است یکی از آرزوهای دیرینه انسان است. سازمان بهزیستی در تدوین سند طرح جامع در خصوص کنترل و پیشگیری از آسیب های اجتماعی گروه های هدف خود را به صورت عام قرار داده و فعالیت های خود را به منظور پیشگیری از کلیه آسیب های اجتماعی (انحرافات و بزه کاری) اعمال می نماید. وصف اولیه در پیشگیری اولیه بدین جهت است که هدف از ارائه فعالیت ها و خدمات، ایجاد بستری مناسب در جامعه، به گونه ای که احتمال بروز عوامل ایجاد انگیزه ی مجرمانه بوجود نیاید به عبارت دیگر هدف از این مرحله، ایجاد زمینه ی مناسب بدین شیوه که هیچ یک از افراد جامعه در معرض ارتکاب بزه کاری و انحراف قرار نگیرد.



فرآیند مقتدرسازی گروه‌های هدف جهت افزایش کنترل بر کیفیت زندگی و بهبود آن است. ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی یک فرآیند همه جانبه اجتماعی و سیاسی است که تنها شامل تقویت مهارت‌ها و توانایی‌های افراد نیست، بلکه شامل تغییر شرایط اجتماعی، اقتصادی و محیطی به منظور کاهش اثرات نامطلوب شرایط یاد شده بر کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی فرد یا جامعه نیز می‌شود. این مفهوم با سلامت جسمی و روان شناختی فرد، میزان استقلال وی، روابط اجتماعی هدف کلیه نهادهای حمایتی است. برنامه‌های مقتدرسازی سازمان بهزیستی برای مقابله با بزهکاری و انحراف عبارت است از: تقویت وسایل ارتباط جمعی در زمینه پیشگیری از مشکلات و انحرافات اجتماعی و آسیب‌های روانی اجتماعی، تدوین و تصویب سیاست‌های مکان کشور به گونه‌ای که مانع از گسترش مشکلات اجتماعی و موجب ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی شود، تقویت نظام بیمه‌ای به ویژه در زمینه پوشش خدمات ارتقای و پیشگیرانه، تغییر نگرش مسئولین و جامعه از حذف کامل آسیب‌های اجتماعی به کنترل و کاهش آن و اصلاح قوانین مربوط به آسیب‌های اجتماعی.



سازمان بهزیستی کشور با تأیید مرجع قضایی مسئولیت مراقبت شبانه‌روزی از کودکان بی‌سرپرست را بر عهده دارد. این امر در قالب دو برنامه مراقبت در خانواده و مراقبت در خانه‌های کودکان و نوجوانان انجام می‌گیرد. برنامه مراقبت در خانواده، مجموعه‌ای از برنامه‌های توانمندسازی و مراقبتی است که به منظور کمک به خانواده‌ها در پرورش و مراقبت از کودکان تحت سرپرستی سازمان بهزیستی انجام می‌پذیرد. طبق بند «ج» ماده ۴۶ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، در برخی موارد از سوی دادگاه، سرپرستی اطفال به این سازمان واگذار می‌شود.

خانه کودک و نوجوان مکانی است که کودکان از زمان پذیرش در سازمان بهزیستی تا ۱۸ سالگی، به صورت دائم یا موقت، به تفکیک سن و جنس در آنجا زندگی می‌کنند و تحت مراقبت و آموزش قرار می‌گیرند. در این خانه‌ها تیمی متشکل از مدیر، مددکار، روان‌شناس و مربی در رابطه مستقیم با اطفال قرار دارند و در قالب کارگروهی با مشارکت کودکان، نسبت به فراهم کردن زمینه‌های مراقبت و پرورش کودک به منظور انتقال به جامعه اقدام می‌کنند. علاوه بر آن آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی، مهارت ارتباط با دیگران، مهارت حل مشکلات و رهایی از آن و ... از عوامل پیشگیری کننده بروز آسیب و بزهکاری است. مهارت‌های زندگی عبارت‌اند از: مجموعه‌ای از توانایی‌هایی که زمینه سازگار و رفتار مثبت را فراهم می‌آورند. این توانایی‌ها فرد را قادر می‌سازند مسئولیت نقش اجتماعی خود را بپذیرد و بدون لطمه زدن به خود و دیگران با خواست‌ها، انتظارات و مشکلات روزانه به شکل مؤثر روبرو شود. (قربانیان، ۱۳۸۵: ۶۷) مهم‌ترین تأثیر اجرای این آموزش‌ها تغییر در رفتارهای اجتماعی و رفتار سلامت مانند کاهش استفاده از مواد مخدر کاهش خشونت، کاهش تمایلات خودکشی، کاهش تمایلات به سوی بزهکاری و انحراف است. آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی توسط بهزیستی و با همکاری آموزش و پرورش و سایر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در سراسر کشور اجرا می‌شود. (امین، ۱۳۸۸: ۲۳) اطلاع‌رسانی و حساس‌سازی و تقویت ساختاری دستگاه‌های دولتی و غیردولتی فعال در زمینه پیشگیری از بزه دیدگی اطفال و خطرات ناشی از آن نیز از مهم‌ترین شیوه پیشگیری اولیه و مقدماتی فردی است که توسط سازمان بهزیستی انجام می‌پذیرد. گروه هدف در طرح افزایش کیفیت حمایت‌های اجتماعی را اقشار کم درآمد جامعه، زنان، کودکان و افراد کهنسال تشکیل می‌دهند. که در سند جامع پیشگیری از بزهکاری سازمان بهزیستی،

تقویت نهادها و سازمان‌های ارایه دهنده خدمات اجتماعی و تقویت روابط و همکاری با آحاد جامعه و تأکید بر کاهش فشارهای اجتماعی و خدمات مشاوره و روان‌شناختی تقویت و نابرابری‌ها و تبعیض‌های اجتماعی (در حوزه‌های درآمدی، جنسیتی، قومی، دینی و سیاسی) و ارتقاء امنیت انسانی در حوزه‌های شغلی و حرفه‌ای، جنسیتی و قومی، سیاسی، دینی و سلامت و مسکن با تأکید بر برنامه‌های مشارکت طلبانه و مبتنی بر اجتماعات محلی مورد نظر قرار می‌گیرد.

بخش چهارم: سازوکارهای لازم حمایتی بر مبنای سیاست جنایی مشارکتی در قبال اطفال بزه‌دیده

مهم‌ترین سازوکار لازم به منظور ارتقای نقش سازمان‌های غیر دولتی در زمینه حمایت از اطفال بزه‌دیده در قالب یک گزاره قابل بیان است و به‌یقین پاسخ و واکنشی که به این گزاره داده می‌شود، نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد سازمان‌های غیر دولتی و چگونگی ابزارهای حمایتی آنان از اطفال بزه‌دیده دارد. سازمان‌های دولتی مانند بهزیستی که یکی از مأموریت‌های آن شناسایی و حمایت از اطفال بزه‌دیده است باید برای ارتباط با سازمان‌های غیردولتی از الگو و مدل و شاخص‌های ارتباطی ویژه و کارآمدی استفاده کند. حقیقت این است که از گذشته‌های دور سایه‌ای از بی‌اعتمادی میان سازمان غیر دولتی نسبت به همکاری با سازمان‌های دولتی گسترده شده است که باعث انفعال و به حاشیه رفتن برخی از این سازمان‌ها در عدم همکاری مشترک شده است. تا زمانی که این نوع از روابط میان سازمان‌های دولتی با غیر دولتی مورد بازنگری و ترمیم و بازسازی قرار نگیرد بحث از حضور فعال و گسترده آنان در مشارکت و حمایت از اطفال بزه‌دیده و سایر مأموریت‌های سازمان‌های دولتی وجود نخواهد داشت. بذل توجه و ایجاد رابطه‌ای حسنه میان سازمان‌های غیر دولتی و دولتی قطعاً در تشکیل بازوان قوی برای ریشه کردن آسیب‌های اجتماعی بسیار مؤثر و راهبردی کلیدی تلقی خواهد شد. از سازمان بهزیستی انتظار می‌رود تا علاوه بر صدور مجوز سازمان‌های غیر دولتی فعال در حوزه کودک فعالیت‌های مربوط به شناسایی و رصد فعالیت‌ها و عملکردهای سازمان‌های غیر دولتی را در ابعاد مختلف در سطوح ملی، استانی و شهرستانی؛ آغاز و به منظور بهره‌بری از پتانسیل‌های موجود در این سازمان‌ها



آیین‌نامه‌های جامع و منسجمی را به منظور سامان بخشی به نحوه فعالیت آنان تهیه و در سطح کشور اجرایی سازد. برای نیل به این اهداف نیاز به سازوکارهای اجرایی مانند: آموزش، بازآموزی، ایجاد انگیزه در کارکنان و کارشناسان مرتبط با سازمان‌های غیر دولتی فعال در حوزه کودک در دفاتر امور بانوان در استانداری‌ها و فرمانداری‌ها به منظور علاقه به فعالیت بیشتر در زمینه این سازمان‌ها؛ برگزاری دوره‌های آموزشی برای مؤسسين سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه کودک در مورد ماهیت، فلسفه، کارکرد و ضرورت تشکیل این سازمان‌ها و در نتیجه فعالیت آگاهانه‌تر، روشن‌تر مصمم‌تر آن‌ها در زمینه آسیب‌های اجتماعی و از جمله بزه‌دیدگی اطفال، اولویت بخشی به سازمان‌های غیر دولتی فعال در حیطه کودک در مورد طرح‌ها و برنامه‌ها از سوی سازمان بهزیستی و مراکز ذی‌ربط، تهیه‌ی فهرستی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌های غیر دولتی، رتبه‌بندی سمن‌ها، اعتمادسازی مردم در خصوص فعالیت مؤثر و کارآمد سازمان‌های غیر دولتی، رسانه‌ای شدن فعالیت‌ها، حمایت‌های تجهیزاتی از سازمان‌های غیردولتی و تدوین و کاربست بسته حمایت مالی از سازمان‌های غیردولتی فعال و مؤثر در وظایف محوله.

نتیجه‌گیری

• جمع‌بندی پایانی

با توجه به مطالعات و بررسی‌های جرم‌شناسی، رویکرد جدید حقوق‌دانان و به خصوص سیاستگذاران کیفری. پیشگیری از وقوع بزه و دخالت مردم در سیاستگذاری‌های کیفری را بهترین و مطمئن‌ترین راهکار برای مقابله با آن دانسته‌اند. اما دولت‌ها و به خصوص مراکز بهزیستی که مأموریت حمایت از اطفال بزه‌دیده را برعهده دارد در طرح‌ریزی سیاست‌های حمایتی خویش از اطفال بزه‌دیده باید در تمامی مراحل از مشارکت مردم بهره‌مند شوند. امروزه مشارکت مردم در تمام زمینه‌های کیفری یکی از رموز موفقیت در مهار بزهکاری در جامعه است. از سوی دیگر لزوم حمایت کیفری افتراقی از اطفال و نوجوانان به عنوان اصلی مسلم و پذیرفته شده مورد قبول همگان قرار گرفته است. نقش و شیوه اثرگذاری سازمان‌های مردمی در حمایت از اطفال بزه‌دیده ارائه برنامه‌های پیشگیری، آموزشی، حمایتی و نظارتی بوده است که بازدهی فراوان آن در سطح جامعه نمود

عینی و عملی داشته است.

• پیشنهادات

* سازمان‌ها و دستگاه‌های تدوین‌کننده سیاست‌گذاری‌های جنایی باید در برنامه‌های خود جایگاه مهمی را به نقش مردم برای اجرای این طرح‌ها، اختصاص دهند تا میزان موفقیت این برنامه‌ها ارتقاء یابد.

* دید مثبت مراجع دولتی در همه امور به ویژه حوزه حمایت از اطفال بزه‌دیده می‌تواند جایگزین نگرش منفی این مراجع و در نتیجه تعامل بیشتر و بهتر سازمان‌های دولتی و غیر دولتی شود.

* لزوم تدوین و وضع قوانین مدون برای سامان‌دهی به وضعیت سازمان‌های غیر دولتی امری ضروری است تا فعالیتهای آنان منسجم‌تر به اقشار نیازمند جامعه خدمت‌رسانی شود.

* مقنن با وضع قوانین جدید خلأها و کاستی‌های حقوق کودکان را مرتفع سازد.
* افرادی که در نهادهای مردمی مشغول به خدمت هستند، با آموزش‌های ویژه و چگونگی برخورد با کودکان و عامه مردم برای نیل به اهداف، آماده شوند.

* در خصوص اطفال بزه‌دیده آماری مستدل قابل مشاهده نیست. بدیهی است که بدون آمارهای دقیق نمی‌توان سیاست جنایی کشور و میزان مشارکت‌های مردمی را مورد نقد و تحلیل قرار داد تا در قبال اطفال بزه‌دیده آنچه مورد انتظار بوده است عملی شده است یا نه؟

* سازوکارهای تهیه و آماده‌سازی آمارهای مربوط به کودکان در معرض خطر و بزه‌دیده و بزهکار در راستای حمایت از آنان و از وظایف سازمان بهزیستی خواهد بود که برای این مهم سرمایه‌های مالی و تخصصی اختصاص دهد.

* سازمان‌های متولی امور کودک با تصویب آیین‌نامه‌های لازم اجرای قوانین مربوط به اطفال و نوجوانان را به دقت در سطح کلان اجرایی نمایند.

* وظیفه گزارش‌دهی موقعیتهای مخاطره‌آمیز برای کودکان به نظر می‌رسد که وظیفه‌ای عمومی و همگانی است و رسانه ملی می‌تواند در مردمی ساختن این گزارش‌ها اطلاع‌رسانی‌های لازم را به انجام رساند.



منابع و مآخذ

قرآن کریم و بعد

الف) منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام، (۱۳۹۰)، جرم شناسی پیشگیری، تهران: نشر میزان.
- اشتریان، کیومرث، (۱۳۸۱)، روش سیاستگذاری فرهنگی، تهران: کتاب آشنا.
- انوری، حسن، (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن، تهران: سخن.
- _____، (۱۳۸۱)، فرهنگ سخن، تهران: انتشارات سخن.
- بزه‌دیدگان، (۱۳۸۴)، ترجمه: علی شایان، تهران: انتشارات سلسبیل.
- توجهی، عبدالعلی، (۱۳۸۰)، جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، قم: مجتمع آموزش عالی قم.
- جاسمی، محمد و بهرام، (۱۳۵۸)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: انتشارات گوتنبرگ.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد، (۱۳۷۸)، جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسینی، محمد حسین، (۱۳۸۳)، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغتنامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رایجیان اصلی، مهرداد؛ (بی‌تا)، موقعیت اطفال بزه‌کار - بزه‌دیده در حقوق کیفری ایران، تهران: انتشارات فروغی.
- ریموند، گسن، (۱۳۷۴)، جرم شناسی نظری، ترجمه: مهدی کی‌نیا، تهران: انتشارات مجد.
- ساندرا، الک لیت، (۱۳۸۶)، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات میزان.
- شومیکر، دونالد. جی، (۱۳۸۹)، نظریه‌های بزه‌کاری: ارزیابی و تبیین رفتارهای بزه‌کارانه، ترجمه: صغری ابراهیمی، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- صانعی، پرویز، (۱۳۷۶)، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش.



- فیلیزولا، لیز، ژرار و فیلیزولا، ژینا، (۱۳۷۹)، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه: روح‌الدین و محمد احمدی، تهران: انتشارات مجد.
- گاستون، ا. لواسور، ژ و بولک، ب، (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، ترجمه: حسن دادبان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- گودرزی، مرتضی، (۱۳۸۱)، تشکلهای غیردولتی (NGOs) در نظام حقوقی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- لازرژ، کریستین، (۱۳۹۰)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان.
- محمدی اصل، عباس، (۱۳۸۵)، بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی، تهران: نشر علم معاصر.
- معین، محمد، (۱۳۹۰). فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات بهزاد.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشارات.
- المنجد الطلاب، (۱۳۷۴)، ترجمه: محمد بندر ریگی، تهران: انتشاران ایران.
- میرخلیلی، محمود، (۱۳۸۸)، پیشگیری وضعی از بزهکاری، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۰)، عدالت ترمیمی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، (سمت).
- — (۱۳۸۹)، پیشگیری از جرم: آموزه‌های جرم‌شناختی تا قانونگذاری جرم‌شناختی، مشهد: مجموعه سخنرانی‌های همایش ملی علمی-کاربردی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، دادرای عمومی و انقلاب مشهد.
- — (۱۳۹۷)، جرم‌شناسی و عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات نشر نگاه.
- — (۱۳۷۷)، پیشگیری عادلانه از جرم، در علوم جنایی، تهران: انتشارات میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی و هاشم بیگی، حمید، (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم‌شناسی،



تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- وایت، راب و فیونا هینز، (۱۳۹۰). جرم و جرم شناسی.. ترجمه: علی سلیمی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ب) رساله های دانشگاهی

- توجهی، عبدالعلی، (۱۳۷۷)، جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران، پایان نامه دکتری، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- خراسانی، مجتبی، (۱۳۸۴)، بررسی علل بزهکاری جوانان در استان گلستان، پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- قربانیان، نیما، (۱۳۸۵)، بررسی اثربخشی آموزش‌های مهارت‌های زندگی بر مردان (اسکینروفرن، پایان نامه ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه تبریز).

ج) منابع عربی

- ابن منظور، محمد مکرم، (۱۹۸۸)، لسان العرب، لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث الاسلامی.

چ) مقالات علمی و پژوهشی

- اسدی، لیلا، (۱۳۸۲)، کودکان بزهکار و بزه‌دیده در حقوق ایران، فقه و حقوق خانواده (ندای صادق).
- اصلانی، رضا، (۱۳۹۰)، بزه دیدگی آثار و علل پیدایی آن، روزنامه رسالت، شماره ۷۴۵۶.
- امین، داود، (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش افسردگی در معتادان، فصلنامه علمی آموزشی آرامش، شماره ۲۷.
- حسینی، محمد، (۱۳۷۶)، سیاست جنایی (مفاهیم، مدل‌ها)، مجله کانون وکلاء، شماره ۱۱.
- رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۸۴)، بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳.
- رضانی قوام آبادی، محمد حسین، (۱۳۹۶)، حضور سازمان‌های مردم نهاد در فرآیند کیفری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری، مجله حقوقی دادگستری، سال



هشتاد و یکم، شماره ۹۹.

- ریموند، گسن، (۱۳۷۶)، پیشگیر وضعی و کنترل جرم، ترجمه: علی حسین، نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۱۹.
- صفاری، علی، ایروانیان، امیر، (۱۳۸۸)، نقش سیاستگذاری‌های دولتی بر تشدید روند کودک‌آزاری، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۹.
- عبدالفتاح، عزت، (۱۳۷۱)، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی و سوسن خطاطان، مجله قضایی و حقوق دادگستری، شماره ۳.
- کی‌نیا، مهدی؛ (بی‌تا)، بزه دیده شناسی، مجله حقوق، شماره ۱.
- گودرزی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، بزه‌دیدگی اطفال بزهکار، مجله حقوقی دادگستر، شماره ۴۴.
- میرکمالی، محمد، حیدر چوپانی، علی اصغر، (۱۳۹۱)، پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، فصلنامه مدیریت، سال دوم، شماره ۱.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۸)، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی شهید بهشتی، شماره ۲۵.
- یعقوبی دوست، محمود و بابادی، علی، (۱۳۹۶)، بررسی عوامل اجتماعی مرتبط بر گرایش نوجوانان پسر به بزهکاری و راه‌های پیشگیری از آن، مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، شماره ۱۰.

ح) منابع لاتین

- *Levasseur: La politique criminelle, RSC 1971.*
- *Sigel, Graham. (1998). " Peer victimization in school: Exploring the ethnic context. Psychological science, No. 15.*